
نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت پایدار محله های شهری با رویکرد برنامه ریزی

محله مینا

مهدی رضایی مهر^۱

چکیده

امروزه موضوع اجتماعات محلی و نحوه ساماندهی آنها جایگاه مهمی در جامعه شناسی شهری و به تبع آن شهرسازی و مدیریت شهری پیدا کرده که تحت عنوان برنامه ریزی محله مینا از آن یاد می شود که ایده اولیه آن براساس اجتماعات محلی، مشارکت مردمی و برنامه ریزی بوسیله مردم، نه برای مردم شکل گرفته است. یکی از مبانی این دیدگاه اجتماعی که از مفاهیم نوین توسعه شمرده می شود، سرمایه اجتماعی است که از طریق ارتباط متقابل بین افراد منجر به توسعه فرهنگی جامعه می گردد؛ محدوده مورد مطالعه آن، محدوده شهرداری منطقه ۸ شهرداری تهران انتخاب شده است. حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۳۲۱ نفر به صورت نمونه آماری تصادفی و روش تجزیه و تحلیل داده ها، روشهای تحلیل آمار توصیفی و استنباطی و استفاده از نرم افزارهای تخصصی SPSS جهت تحلیل داده ها می باشد. بر اساس مطالعات کتابخانه ای شاخص ها و مولفه های تحقیق در شش شاخص اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، شاخص شبکه های اجتماعی، شاخص کارایی و شاخص عدالت تهیه شد و نتایج و یافته های پژوهش نشانگر آن بود که مولفه اعتماد اجتماعی بیش از سایر مولفه های در برنامه ریزی محله مینا تاثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، مدیریت پایدار، برنامه ریزی، محله مینا

تاریخ آکسپت: ۹۶/۷/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۱۵

The Role of Social Capital in Sustainable Management of Urban Neighborhoods with the Basis Area Planning Approach

Abstract

Today, the issue of local communities and their way of organizing has become an important place in urban sociology and, consequently, urban planning and urban management, which is referred to as "baseline planning", whose initial idea is based on local communities, popular participation, and people-centered planning. , Not for the people. One of the foundations of this social perspective, which is a concept of modern development, is social capital, which, through the interconnection of individuals, leads to the cultural development of society. The study area has been selected by the municipality of district [^] of Tehran municipality. Sample size According to Cochran formula, ۳۲۱ people were randomly selected and analyzed using descriptive and inferential statistics and using spss software for data analysis. Based on library studies of indicators and research components, six indicators of social trust, social participation, social cohesion, social network index, performance indicator and justice index were developed and the results and findings indicated that

social trust component was more than other components Have been effective in planning the base of the neighborhood.

Keywords: Social Capital, Sustainable Management, Planning, Basis Area

مقدمه

با نگاهی به تاریخ برنامه‌ریزی شهری می‌توان شاهد تغییر در رویکرد برنامه ریزان شهری و ارتقاء برنامه‌ریزی شهری از نگاه صرف کالبدی به نگاه چند بعدی بود، که کلیه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، روانی و غیره را در بر می‌گیرد. از طرف دیگر محله نیز به عنوان یکی از ابزارهای برنامه‌ریزی شهری در طول قرن بیستم برای غلبه بر مسائل و مشکلات شهری مطرح بوده و از دیدگاه‌های مختلف به آن توجه شده است (جوادزاد اقدم و علوی، ۱۳۹۵: ۸۴). از سوی دیگر، نظام متمرکز در کشور (برنامه ریزی از بالا به پایین) سبب کمتر شدن مشارکت شهروندان در محله‌ها شده است. در برنامه‌ریزی متمرکز شناسایی امکانات و منابع در سطوح بالای برنامه ریزی بر اساس اطلاعات تهیه شده در سطوح پایین‌تر انجام می‌گیرد (معصومی اشکوری، ۱۳۸۷: ۱۹). و به همین دلیل توجه و تأکید برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها، بیش از هر زمان دیگر، بر سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری معطوف شده است و تقویت و اهمیت سطوح محلی و حضور انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی مدنی در عرصه تصمیم‌گیری با تکیه‌ی عمده بر نقش شهروندان، اعتماد و مشارکت واقعی آنها در عرصه فعالیت‌ها و اقدامات روزمره مورد تأکید بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته است.

از اینرو امروزه موضوع اجتماعات محلی و نحوه ساماندهی آنها جایگاه مهمی در جامعه شناسی شهری و به تبع آن شهرسازی و مدیریت شهری پیدا کرده است. صاحب‌نظران بر این عقیده اند که اجتماعات محلی و نهادهای مردم محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آنها در جوامع، نقش مؤثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند (حسین آبادی و تقوایی، ۱۳۸۸: ۸۹). بنابراین در برنامه ریزی محله مینا که بر اساس اجتماعات محلی است، مشارکت مردمی در معنای واقعی آن هدف قرار گرفته و شعار برنامه ریزی بوسیله مردم نه برای مردم آرمان این نگرش در برنامه ریزی شهری است پس نقش دولت صرفاً هدایت، حمایت و تشویق نهادهای اجتماعی محلی خواهد بود و هیچگونه تصمیمی را از بالا به پایین دیکته نمی‌کند و عدالت در محلات بهتر رعایت شده و همچنین کارایی این نهادها با مشارکت و اعتماد به شهروندان بالاتر خواهد بود (پیران و همکاران، ۱۳۹۵: ۲).

توسعه محله‌ای بر پایه توسعه اجتماعات محله ای، توان حل مشکلات را با اتکاء به هم‌افزایی مجموعه سرمایه های طبیعی، کالبدی و انسانی و اجتماعی به دست می‌آورد و توسعه محله ای بر پایه توسعه اجتماعات محلی به بار می‌نشیند و پایداری شهر را پایه ریزی می‌کند (زوکین،^۱ ۱۹۹۷: ۴). از اینرو برای توسعه اجتماعات محلی می‌بایست ظرفیت‌سازی نمود. یکی از رویکردهای مطرح توسعه محله در عصر حاضر رویکرد توسعه محله ای پایدار است، عناصر اصلی توسعه محله ای پایدار افزایش منابع اجتماعی، به حداقل رساندن مصرف منابع طبیعی، کارآمدی استفاده از فضاهای شهری از طریق بسیج شهروندان و مسئولان است (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۲۹۲). در این میان، رویکردها و دیدگاه‌های اجتماعی در مدیریت شهری و بویژه در توسعه محلات شهری و برنامه ریزی محله محوری نقش موثری دارد.

طرح مسئله

پدیده اجتماعی به مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در جامعه که نوعی نظم اجتماعی، اعتماد و اطمینان را برای افراد از طریق ارتباط متقابل ایجاد می‌کند، منجر به توسعه فرهنگی جامعه می‌گردد. سرمایه‌های اجتماعی دارائی‌های غیر ملموس است که بیشتر از همه در زندگی روزانه مردم مهم تلقی می‌شود. سرمایه اجتماعی، فرآیندهای اجتماعی هستند که با تسهیل کنش اعضای خود، منافعی را ارتقاء می‌دهند. سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و ادراکی دانست که همکاری گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل تسهیل می‌کند و این نوع از سرمایه را معمولاً با نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می‌کنند (اونق و غفاری، ۱۳۸۴: ۱۹۹).

آنچه در این بین تأمل برانگیز است، روابط انسان‌ها در ابعاد کمی و کیفی آن است. گسست در ساختار فضایی محلات و از بین رفتن هویت کالبدی آنها، سبب از بین رفتن ساختار اجتماعی پیوسته میان ساکنان و کاهش ارتباطات چهره به چهره و رودررو گشته و باعث جایگزینی روابط ثانوی به جای روابط گرم و صمیمی افراد شده است، به گونه‌ای که روابط افراد در قالب رسمی، کاری و اداری تعریف می‌شود، که این خود بر مشکلات موجود دامن زده است. در مقیاس محله‌ای سرمایه اجتماعی شامل منابعی در اجتماعات محله است که از طریق حضور بالایی از اعتماد، عمل و کنش متقابل، هنجارهای مشترک رفتاری، تعهدات و التزامات و تعلقات مشترک،

۱. Zokin

۲. key

شبکه‌های رسمی و غیر رسمی و کانال‌های مؤثر اطلاعات به وجود می‌آید. این سرمایه ممکن است به وسیله افراد و گروه‌ها به منظور تسهیل در خدمات‌رسانی به اجتماع مورد استفاده قرار گیرد (کی، ۲۰۰۵: ۱۶۲). توجه به نقش سرمایه اجتماعی در روابط بین افراد و گروه‌ها در اجتماع و نتایج سودمند آن مانند: همکاری در نیل به منفعت عمومی، تسهیل کنش جمعی، ایجاد مشارکت و اعتماد در بین افراد جامعه که کارآیی آن‌ها را افزایش داده و اختلافات آن‌ها را می‌کاهد، این مفهوم را در مرتبه اول توجه سیاستگذاران اجتماع، دولت و برنامه‌های توسعه قرار داده است (بزی و حیدری، ۱۳۹۵: ۱۴۴). در ایران و با ایجاد دولت مدرن در دوره پهلوی و ایجاد ساختارهای تمرکزگرا و دولت محور نقش مردم و مشارکت های اجتماعی کاهش یافته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در فرآیند زمانی دهه ۱۳۴۰ تا سالهای اخیر سرمایه اجتماعی در جامعه ایران و بویژه در شهرهای بزرگ سیر نزولی داشته است.

از سوی دیگر با توجه تعداد زیادی از مسائل و مشکلات شهری، توجه به سرمایه اجتماعی راهکاری مناسب جهت رفع این موانع برشمرد (نصراللهی و اسلامی، ۱۳۹۲). از اینرو برای دستیابی به پایداری محله ای که مبتنی بر مشارکت شهروندان در برنامه‌های توسعه باشد، نیازمند ظرفیت سازی است. ظرفیت سازی در سطح محله از طریق شناخت سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر در آن میسر می‌شود. از این رو سنجش میزان سرمایه اجتماعی در سطح محله، و چگونگی بازتولید سرمایه اجتماعی به منظور کمک گرفتن از شهروندان در رسیدن به توسعه پایدار، ضروری است (جوادی‌ادام و علوی، ۱۳۹۵: ۱۰۵؛ خنده رو، ۱۳۸۷: ۳).

محدوده مورد مطالعه این پژوهش محلات تهرانپارس، وحیدیه، نارمک و مجیدیه در محدوده شهرداری منطقه ۸ شهرداری تهران است. این محلات از مهمترین مراکز جمعیتی این منطقه شهرداری است. این محدوده شهری در تهران به دلایل ساختاری و ویژگی‌های خاص آن دارای مسائل و معضلات ویژه است. وجود خرده‌فرهنگ‌ها و نیز سنخ‌های فرهنگی متنوع در سطح محلات آن به دلیل مهاجرت و سایر عوامل، لزوم توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی در جهت حل مناسب این مشکلات را ضروری ساخته است. کمبود فضاهای تفریحی و ورزشی و فضاهای سبز، بالا بودن میزان آلودگی هوا و ترافیک شهری و تراکم بالای جمعیتی در اثر ورود مهاجران و ایجاد تضادهای فرهنگی میان خرده فرهنگ های ساکنان نواحی سه گانه و افزایش تنش های اجتماعی که در بالا بردن میزان جرایم اجتماعی نمودار شده است، از جمله مسائل اساسی منطقه ۸ تهران می‌باشد. در این ارتباط، ضمن بررسی توان سرمایه‌های اجتماعی محلات، با

استفاده از تکنیک تاپسیس به ارزیابی سطوح برخورداری محلات و در نهایت به ارایه پیشنهادات کاربردی برای بالا بردن میزان سرمایه اجتماعی و تقویت آن در بین ساکنان محله، به برنامه ریزان و مدیران شهری دخیل ارایه می نماید.

چارچوب نظری

طرح رادبرن - سازمانی عمومی

هنری رایت و کلرنس اشتاین در طرح درخشانشان برای یکی از نواحی حومه ای رادبرن در نیوجرسی، پیشنهاد یک نظام برنامه ریزی برای نواحی مسکونی را عنوان نمودند. اساس نظریه آنها ایده بلوک های بزرگ مسکونی است که بر مبنای جدایی ترافیک پیاده از سواره قرار دارد. در رادبرن، خانه ها به صورت گروهی ایجاد می شود که در اطراف آنها انواع گوناگونی کوچه های بن بست که به مسیرهای عبور پیاده و پارک ها مرتبط می گردند، قرار گرفته است. مدرسه ها و فروشگاه ها تماما در قسمتهای ورودی این واحدهای بزرگ قرار خواهد گرفت. بلوک های بزرگ به مفهوم یک ایده منطقی به سوی حل مسائل حرکات رفت و آمدی است که اماکن مسکونی را از راه های اصلی به دور نگه می دارد.

در طرح رادبرن، پارک در مرکز بلوک های بزرگ به عنوان برترین نقطه محله در نظر گرفته شده است. راههای موتورسیکلت، به طرف خانه هایی است که در سمت راست آنها پارک ها قرار داده شده اند. هدف از ایجاد طرح رادبرن، ایجاد باغ شهرهایی در جوامع متروپلیتن (مادر شهر) بوده است. طرح رادبرن برای جمعیتی حدود ۲۵۰۰۰ نفر در سه واحد خودیاری در نظر گرفته شده و محدوده ی هر واحد از مرکز دبستان تا شعاع ۸۰۰ متر می باشد. در طرح رادبرن، سعی شده است که مردم به طبیعت نزدیکتر شوند و آسایش و آرامش بیشتری جهت ساکنین تامین گردد. در این طرح نیز، فضای سبز اهمیت زیادی دارد و هدف آن تشکیل یک جامعه شهری سالم است. جهت تامین سلامت بچه ها و جلوگیری از حوادث ناگوار، پیاده روهای ویژه ای ساخته می شود که دور از مسیر ماشین ها است (شیعه، ۱۳۸۲، ۴۴-۴۵).

نظریه انگلهارد

«انگلهارد» نیز از جمله افرادی است که در خصوص محله ها و واحدهای همسایگی تحقیقات گسترده ای را انجام داد. وی معتقد بود واحدهای همسایگی همچون دانه های یک زنجیر طویل به یکدیگر اتصال یافتند و این دانه های کوچک می توانند کالبد شهری ما را شکل بدهند. هم

چنین اصول و معیارهای این واحدهای همسایگی از ساخت و سازها، ملاحظات اجتماعی، فیزیکی و نیز نهادهای شهری و... تبعیت می کنند.

واحد همسایگی «انگلهارد» دارای مراکز متعددی است که از جمله می توان به یک مدرسه ابتدایی (با متوسط ۶۰۰ تا ۸۰۰ دانش آموز)، یک سری از مغازه های مورد نیاز ساکنین در یک منطقه شهری و یک زمین بازی در مقیاس محله ای اشاره کرد. این امکانات رفاهی در پیرامون مرکز واحد همسایگی ایجاد می شود، به گونه ای که مسافت بین این مرکز و خانه ها از ۸۰۰ متر تجاوز نمی کند. وی معتقد بود در صورتی که دو واحد همسایگی مشابه در مجاورت یکدیگر قرار گیرند، نیازهای جدیدی نیز شکل خواهد گرفت. به عنوان مثال؛ وجود یک مدرسه راهنمایی و یک مرکز تفریحی در قسمت میانی دو محله، الزامی است. در این حالت باید مدرسه مذکور در مکانی طراحی شود که فاصله دورترین دانش آموز، در دورترین نقطه محله، تا مدرسه از ۱۶۰۰ متر تجاوز نکند. به همین ترتیب در صورتی که خواهان ایجاد چهار محله (و طبیعتاً ۶۸۰۰ خانوار) در محدوده شهری خود باشیم افزودن یک مرکز تجاری و یک دبیرستان به عناصر قبل، ضروری است.

علاوه بر این، با وجود چهار محله می بایست فضاهای تفریحی نظیر پارک ها و زمین های بازی با تسهیلات رفاهی بیشتری را برنامه ریزی و ایجاد کرد. تنها در چنین حالتی است که ما تمامی؛ اجزای پدید آورنده یک اجتماع شهری منحصر به فرد را خواهیم داشت (خاکساری؛ ۱۳۸۵، ۱۵۴-۱۵۳).

دیدگاههای گوناگون در مورد توسعه محله ای متأثر از تعاریف گوناگون اجتماع محله ای بوده است. به زبانی ساده توسعه محله ای به معنای کارکردن با جوامع به منظور کمک برای رشد و توسعه آنها می باشد. توسعه اجتماع محله ای را می توان بر ساس هدفی که دنبال می کند به دو دسته تقسیم بندی نمود:

اهداف محتوایی که به معنای بهبود وضعیت اجتماع محلی از طریق افزایش فعالیتهای اقتصادی و یا اشتغال و ایجاد زیرساختهای اجتماع محلی می باشد.

اهداف فرآیندی که به معنای افزایش توان و ظرفیت اجتماع محلی برای انجام کارهاست. این اهداف ممکن است به منظور افزایش ظرفیتهای برای دستیابی به اهداف محتوایی باشد (مانند بهبود و افزایش روابط اجتماعی) با توجه به تفاوتهای زیاد بین برداشتهای موجود از توسعه محله ای، مجموعه مفاهیم و اصولی وجود دارد که اغلب دست اندرکاران توسعه محله ای بر سر

آن توافق دارند، بر این اساس می توان گفت: توسعه محله ای عبارت است از «فرآیندی مبتنی بر مشارکت داوطلبانه و خودیارانه در میان ساکنان یک محله در جهت بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی (احمد موسوی، ۱۳۸۵، ۲۹). بنابراین چهار بعد اصلی در توسعه محله ای قابل شناسایی است که عبارتند از: اقدام شهروندان، مشارکت داوطلبانه، همکاری و حل مشکلات به ورت همکاری، توانمند سازی، توجه به نتایج جامعه نگر و فراگیر.

پایداری نهادی^۱ تداوم تأمین مناسب مالی، توانایی اداره و سازمان دهی بلندمدت، تصویب قوانین و تعیین دستگاه و نظام قانونی مناسب، ارتباط و هماهنگی نهادها و سازمانها است که به عنوان پیش نیازی برای ابعاد قبلی مطرح می شود. پایداری نهادی به این معنی است که در طول زمان کاهش در کیفیت ترتیبات نهادی بوجود نخواهد آمد. این نکته بویژه با توانایی مدیریت و تأثیر مقررات و آئین نامه ها ارتباط پیدا می کند. قوانین و توانایی های سازمانی که تعامل و رفتار میان سرمایه های انسانی، اجتماعی و طبیعی و دست ساخت را تنظیم و هماهنگ می کنند، ابعاد توسعه پایدار نهادی را بیان می کنند.

در الگوی برنامه ریزی اجتماعی^۲ کمک های فنی به اجتماعات محلی شیوه مورد تأکید این الگو می باشد. این روش بیشتر بر فرایند توسعه اجتماعات محلی و نیز مداخله برنامه ریزی شده از طریق ارائه یک فرایند فنی و یا حل مسایل و مشکلات اجتماعی مربوط به مسکن، بهداشت و... وابسته است. تهیه برنامه های توسعه اجتماع محلی توسط متخصصان برنامه ریزی و اجرای سنجیده آنها از ویژگیهای عمده این الگو می باشد. این متخصصان کمکهای فنی لازم را در اختیار تصمیم گیران (جهت بهبود برنامه ریزی و تصمیم گیری) قرار می گیرند. این روش عمدتاً توسط برنامه ریزان کالبدی در جهت توسعه اجتماعات محلی و به منظور حل مسائل و مشکلات کالبدی بکار گرفته شده است (عسگری، ۱۳۸۳: ۱۳).

روش شناسی

این روش در تحقیق حاضر شامل ابزارهای پرسش نامه (طیفی، ترتیبی، وزنی، تعاقبی) مشاهده (علنی و غیرعلنی) و مصاحبه (نامنظم) است. یکی از روش های رایج جهت کسب اطلاعات به صورت مستقیم پرسشنامه می باشد. در تحقیق حاضر جهت جمع آوری اطلاعات

^۱ Institutional Sustainability

^۲ Social Planning

یک پرسشنامه طراحی شده است؛ ۱. پرسشنامه مربوط به سنجش سرمایه اجتماعی در محلات تهران. این پرسشنامه شامل سوالاتی در مقیاس های مختلف اسمی، ترتیبی، فاصله ای و نسبتی می باشد. جهت تعیین ضریب اعتبار پرسش نامه های تحقیق حاضر، پس از تکمیل پرسش نامه ها، داده ها وارد نرم افزار spss شد و با استفاده از روش آلفا کرونباخ اعتبار پرسشنامه مربوط به دست آمد.

در این تحقیق جامعه آماری کلیه ساکنان بالای ۱۵ سال طبق آمار سال ۱۳۹۰ در محله های نمونه مدنظر است. برپایه اهداف تحقیق، جامعه آماری، شامل ساکنان منطقه ۸ تهران در محلات نمونه می باشند. برپایه سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت منطقه برابر با ۳۷۷۸۰۶ نفر بوده است. محلات نمونه بر پایه توزیع فضایی در سطح منطقه و به تفکیک هر از نواحی ۳ گانه انتخاب شده است. محلات وحیدیه و مجیدیه، تهران پارس و نارمک مرکزی به عنوان محلات نمونه در این پژوهش مدنظر است. از روش نمونه گیری تصادفی ساده جهت جمع آوری اطلاعات بهره برده می شود. بر مبنای فرمول کوکران با ضریب اطمینان ۰,۰۹۵ و پذیرش ۰,۰۵ و شکاف جمعیتی ۰,۵ حجم نمونه برای پژوهش انتخاب شد. بر پایه این فرمول، حجم نمونه از جامعه آماری ۳۷۷ هزار نفر نزدیک به ۳۲۱ نفر از کل منطقه است که براساس تعداد جمعیت محله ها مورد مطالعه به همان نسبت نیز پرسشنامه بین افراد تقسیم شد. برای تحلیل های دقیقتر سعی شد که همین تعداد پرسشنامه در سطح محلات هدف اجرایی شدند.

یافته های پژوهش

دامنه تغییرات سرمایه اجتماعی پاسخگویان با برنامه ریزی محله مبنا با میانگین ۶ در سه محله بوده است و دامنه تغییرات در برنامه ریزی محله مبنا با میانگین ۷ در سه محله بوده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی نقش سرمایه اجتماعی و برنامه ریزی محله مبنا در سه محله

شرح	سرمایه اجتماعی		برنامه ریزی محله مبنا	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
وحیدیه	۹۸	۲۲,۳	۵۸	۱۷,۸
نارمک	۱۲۱	۴۱,۴	۱۴۳	۴۴,۴
تهران پارس	۱۰۲	۳۶,۳	۱۲۰	۳۷,۸

جمع	۳۲۱	۱۰۰	۳۲۱	۱۰۰
شاخص آماری	۴,۳۰ = انحراف معیار	۱ = کمترین	۴,۴۴ = انحراف معیار	۷ = میانگین
		۱۰ = بیشترین		۱ = کمترین



نمودار ۱: توزیع فراوانی نقش سرمایه اجتماعی و برنامه ریزی محله مبنا در سه محله

برای سنجش سطوح وضعیت سرمایه اجتماعی در محله های مورد بررسی از تحلیل رگرسیونی استفاده شده است.

جدول ۲: مشخص کننده های کلی تحلیل رگرسیونی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مدیریت پایدار

شاخص آماری	ضریب همبستگی (R)	واریانس تبیین شده (Rsquire)	واریانس تعدیل شده (Adjusted Rsquire)	F	سطح معناداری (Sig)
مدل رگرسیون	۰,۰۷۸	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۰,۲۹۵	۰,۵۸۷

جدول فوق ضریب رگرسیونی رابطه بین سرمایه اجتماعی بر مدیریت پایدار را نشان می دهد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰,۰۷۸ است که البته در سطح خطای کمتر از ۵ درصد معنادار شده است. در ادامه آزمون t test غیر نرمال استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از این آزمون میزان سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی محله مبنا دارای نقش تأثیرگذاری است.

جدول ۳: ضریب رگرسیونی تأثیر میزان سرمایه اجتماعی بر مدیریت پایدار

شاخص آماری	ضرایب رگرسیون	خطای استاندارد	بتای استاندارد	t	سطح معنی داری
ضریب ثابت	۹۹,۵۲۳	۰,۸۵۱	-	۱۱۶,۹۰۹	۰,۰۰۱
میزان سرمایه اجتماعی	۰,۰۷۹	۰,۱۱۵	۰,۰۶۳	۰,۵۴۴	۰,۵۸۷

بر طبق اطلاعات جدول فوق، قابل فهم است که میزان سرمایه اجتماعی بر مدیریت پایدار تأثیر معناداری دارد و فرضیه اولیه تحقیق که به این موضوع می پردازد را با دلالت علمی مورد بررسی قرار داده است و نتیجه آن مثبت ارزیابی شده است.

- شناسایی مولفه های تأثیر گذار سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی محله مبنا
این بخش از یافته های تحلیلی در حقیقت در پی پاسخ به فرضیه دوم پژوهش و شناسایی میزان تأثیرگذاری مولفه های سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی محله مبنا است.
در مورد تأثیر مولفه های سرمایه اجتماعی بر برنامه ریزی اجتماع محور، نتایج حاصل از آزمون χ^2 (۱۲,۲۳۵) که در سطح معناداری ($Sig = ۰,۰۴۹$) است نشان می دهد که برخی از مولفه های سرمایه اجتماعی بر برنامه ریزی اجتماع محور تأثیر معناداری دارد. با توجه به توزیع نسبت ها در داخل جدول، باید گفت پاسخگویانی که به منظور انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و شبکه های اجتماعی به برنامه های محله محور توجه می کنند بیشتر از سایرین از برنامه ریزی اجتماع محور استقبال می کنند. همچنین نتایج حاصل از آزمون وی کرامرز ($Cramers V = ۰,۱۵۱$) نشان می دهد که شدت تأثیر مولفه های سرمایه اجتماعی

بر برنامه ریزی اجتماع محور در حد متوسطی می باشد.

جدول ۴: تأثیر مولفه های اثرگذار سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی اجتماع محور

کل	کارایی	عدالت اجتماعی	شبکه های اجتماعی	انسجام اجتماعی	مشارکت اجتماعی	اعتماد اجتماعی	شاخص ها سرمایه اجتماعی	
۶۸	۲	۱۰	۹	۱۱	۱۲	۲۴	فراوانی	وحیدیه
۲۵,۲	۹	۱۴	۱۷,۵	۳۱,۷	۱۹,۹	۱۸	درصد	
۵۳	۵	۹	۷	۱۰	۹	۱۳	فراوانی	تهران پارس
۷۳,۵۱	۷	۱۱,۰۱	۱۳,۴	۱۹,۵	۱۲,۳	۱۰,۳	درصد	
۱۸۳,۶	۲۱,۳	۱۳,۰۳	۱۶	۱۸	۲۹	۸۶	فراوانی	نارمک
۱۵۱,۳	۱۱,۰۱	۱۷,۰۳	۱۹,۱	۲۹,۷	۳۲,۸	۴۱,۷	درصد	
۲۸۸,۷	۱۹,۴	۱۲,۱	۳۴	۴۹	۶۱,۲	۱۱۳	فراوانی	کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	
۹۹,۲۵	۸۹,۱	۹۳,۰۳	۹۹,۲۰	۹۵,۰۲	۹۹,۳۶	۱۰۰,۷۶	میانگین	

بر مبنای نتایج جدول ۴ مولفه اعتماد اجتماعی بر مدیریت پایدار محله های شهری از بیشترین میزان تأثیرگذاری برخوردار است. در مرحله بعد میزان اهمیت این مولفه در سطح مخلات مورد بررسی قرار گرفته است. بیشتر پاسخگویان وضعیت این مولفه را در شرایط متوسط تا زیاد شناسایی کرده اند.

جدول ۵: تأثیر مولفه های اثرگذار اعتماد اجتماعی در برنامه ریزی اجتماع محور

کل	بسیار کم	کم	تاحدودی	زیاد	بسیار زیاد	پاسخ ها اعتماد اجتماعی	
۶۸	۰	۱۵	۴۰	۱۱	۲	فراوانی	وحیدیه
۲۵,۲	۰	۳۷,۵	۲۸,۶	۱۵,۳	۱۵,۴	درصد	

فراوانی	۴	۹	۳۲	۶	۲	۵۳	تهران پارس
درصد	۳۰,۸	۱۲,۵	۲۲,۹	۱۵	۴۰	۱۹,۶	
فراوانی	۷	۵۲	۶۸	۱۹	۳	۱۴۹	نارمک
درصد	۵۳,۸	۷۲,۲	۴۸,۶	۴۷,۵	۶۰	۵۵,۲	
فراوانی	۱۳	۷۲	۱۴۰	۴۰	۵	۳۲۱	کل
درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
میانگین	۱۰۰,۳۰	۱۰۳,۵۴	۹۷,۳۸	۹۷,۴۲	۱۰۰,۸۰	۹۹,۲۵	

<i>Chi-Square</i>	<i>df</i>	<i>Sig</i>	<i>Kendall tauC</i>
۱۷,۸۸۰	۸	۰,۰۲۲	۰,۱۴۰

در این قسمت از گزارش، یافته‌های تحقیق عدالت اجتماعی؛ شبکه‌های اجتماعی؛ کارایی (محلّه نارمک) و در شاخص مشارکت اجتماعی محلّه وحیدیه از مولفه تاثیرگذار در برنامه ریزی محلّه مینا شناخته شده است. به طور کلی در نقش سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی محلّه مینا، این نقش در محلّه نارمک بیش دو محلّه دیگر است. در بخش نهایی نیز یافته‌های استنباطی در ارتباط با سوالات و فرضیات پژوهش در بخش تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی در محلّه‌های مورد بررسی از طریق ضریب همبستگی مولفه‌های سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی محلّه مینا (۰,۰۷۸) و آزمون t با عدد (۰,۵۴۴) پرداخته است و در نهایت به شناسایی مهمترین مولفه های تاثیرگذار سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی محلّه مینا در محلات سه گانه پرداخته است. یافته ها نشان می دهد که مولفه اعتماد اجتماعی بیش از سایر مولفه ها تاثیرگذار است.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به فرضیه اول که وضعیت سرمایه اجتماعی را در محلّه‌های منطقه ۸ شهرداری شهر تهران مورد بررسی قرار داده است نشان می دهد که میزان سرمایه اجتماعی در محلّه نارمک به طور کلی (مجموع تمامی مولفه‌های آن) بالاتر از دو محلّه وحیدیه و تهران پارس می باشد. در محلّه نارمک انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی بیشتر از محلّه‌های دیگر بوده است

و این به دلیل بافت جمعیتی آن بوده است. داده های این پژوهش باداده های تحقیق قربانی و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان «تحلیل و ارزیابی سرمایه اجتماعی شبکه های خرد توسعه در راستای توسعه پایدار محلی»، و زیاری و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان برآورد و سطح بندی توسعه محله ای با تأکید بر مؤلفه های سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: محلات شهر ابرکوه) هم راستا و هم پوشانی داشته است. همچنین این پژوهش با تحقیق زنگنه در سال (۱۳۹۳)، در مقاله تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی، نمونه موردی محله سرده سبزوار به این نتیجه رسیدند که سطح سرمایه اجتماعی در محله مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط است. همچنین اعتماد اجتماعی به مدیریت شهری یکی از مهمترین جنبه های سرمایه اجتماعی است؛ به نقش و تاثیر هر یک از مولفه های سرمایه اجتماعی بر مدیریت پایدار شهری نقش و تاثیرگذار است.

فرضیه دوم از میان مولفه های تأثیرگذار سرمایه اجتماعی در برنامه ریزی اجتماع محور در هر یک از محله های مورد بررسی تمایزاتی وجود دارد. با توجه به یافته های پژوهش تمایز چشمگیری در میان ابعاد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی در میان مناطق نارمک، وحیدیه و تهران پارس به چشم می خورد. اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی در محله نارمک به دلیل بافت کالبدی و میدان بودن محله ها و همچنین بافت جمعیتی آن بیشتر از محله های دیگر بود. وجود میادین بوستان مانند (مانند میدان ۱۱ یا میدان ۲۱ و...) باعث ایجاد مکانی برای اجتماع افراد در کنار یکدیگر و همچنین برگزاری مراسم ملی و مذهبی در آنان باعث انسجام و مشارکت ساکنین این محله ها می گردد. ضریب همبستگی رابطه بین اعتماد، مشارکت اجتماعی و مدیریت پایدار محله های شهری با رویکرد برنامه ریزی محله مینا در محله نارمک بیشتر از دو محله دیگر بوده است. یافته های این پژوهش دیدگاه های (بولن و اونیگس) در خصوص «سرمایه اجتماعی را عنصر سازنده محله و حاصل هزاران کنش متقابل روزمره مردم، ماده خام فرآیند ظرفیت سازی که خود پیش نیاز توسعه محله است»، تعریف کرده اند را تایید می کند و همچنین با نظریات (الریگ وهالپرناز، فاوست و کرنز، نظریه انگلهارد) هم راستا می باشد. انگلهارد معتقد بود واحدهای همسایگی همچون دانه های یک زنجیر طویل به یکدیگر اتصال یافتند و این دانه های کوچک می توانند کالبد شهری ما را شکل بدهند. همچنین اصول و معیارهای این واحدهای همسایگی از ساخت و سازها، ملاحظات اجتماعی، فیزیکی و نیز نهادهای شهری و... تبعیت می کنند.

یافته های این تحقیق توانست مفاهیم موجود در تحقیق شفیعا و شفیعا در سال (۱۳۹۱) «بررسی رابطه توسعه پایدار اجتماعی و سرمایه اجتماعی نمونه موردی: ساکنان محله غیر رسمی شمیران نو»، به ارزیابی تاثیرات سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار اجتماع غیر رسمی محله شمیران نودر با یافته های خود تطبیق دهد.

پیشنهادها

در انتها محقق این پیشنهاد را برای کلیه پژوهشگران و دست اندرکاران دارد و آن این است که با توجه به نیاز ضروری افراد و خانوارهای شهری و مسئولین نیاز به شناخت ابعاد و مولفه های سرمایه اجتماعی، مدیریت پایدار و برنامه ریزی محله مبنا را به درستی بشناسند تا بتوانند به کیفیت آن بیفزایند.

با توجه به نتایج و مطالعات انجام شده افزایش سرمایه اجتماعی می تواند بر نحوه مدیریت و برنامه ریزی محله مبنا تاثیر گذار و با افزایش یکی مولفه های دیگر نیز افزایش می یابد. پیشنهاد می شود: اطلاع رسانی و فرهنگ سازی جهت مفهوم مدیریت پایدار با رویکرد محله مبنا، صورت گیرد تا از این طریق سرمایه اجتماعی افزایش یابد.

پیشنهاد می شود که سرمایه اجتماعی را مبنایی برای رقابت های نوین مدیریتی ملاک قرار دهند.

پیشنهاد می گردد که مطالعاتی همسو با این پژوهش در سایر دانشگاه های کشور و سایر مناطق استان صورت گرفته و نتایج آن با نتایج این پژوهش مقایسه شود.

با توجه به اینکه تحقیق حاضر کمی بوده پیشنهاد می گردد تحقیق مشابهی به روش ترکیبی انجام پذیرد.

تلاش برای افزایش انگیزه و غلبه بر منافع شخصی و فردی، با توجه به ابعاد سرمایه اجتماعی و افزایش مدیریت پایدار بر اساس ویژگی های محله ها از سوی سازمان های مربوطه. باتوجه به ابعاد پیچیده سرمایه اجتماعی و شاخص های مطرح در مدیریت پایدار در کشف جنبه های دقیق تر و ناشناخته این دو متغیر سعی و تلاش علمی و عملی شود.

منابع

۱. اکبری، امین، ۱۳۸۳، نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، بررسی سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی - اجتماعی، تهران دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
۲. اونق، ناز محمد، غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۴)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۹۹-۱۵۹
۳. بابا خانی، ملیحه (۱۳۹۵)، تبیین نقش رویکرد توسعه اجتماع مبنا در نوسازی پایدار بافت های ناکارآمد شهری؛ نمونه موردی: نوسازی سال های ۹۲-۱۳۸۸ محله تختی شهر تهران، مقالات آماده انتشار، پذیرفته شده، انتشار آنلاین از تاریخ ۲۰ شهریور.
۴. باباخانی، ملیحه، (۱۳۹۵)؛ تبیین نقش رویکرد توسعه اجتماع مبنا در نوسازی پایدار بافت های ناکارآمد شهری؛ نمونه موردی: نوسازی سال های ۹۲-۱۳۸۸ محله تختی شهر تهران، مقالات آماده انتشار، پذیرفته شده، انتشار آنلاین از تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۹۵
۵. بزی، خدارحم و حیدری، فاطمه (۱۳۹۵)؛ بررسی سرمایه اجتماعی در محلات مختلف شهر داراب (استان فارس)، دوره ۷، شماره ۲۴، بهار .
۶. پاتنام، رابرت، (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه محمد تقی دل فروز، انتشارات وزارت کشور، تهران،
۷. پیران، پرویز، رفیعیان، مجتبی، رضایی، میثم و دهقان، هما (۱۳۹۵)، شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد نهادهای اجتماعی در مدیریت هر چه بهتر محلات؛ نمونه موردی: محلات واقع در شهر فردوسی - شهرستان شهریار، دوره ۷، شماره ۲۴، بهار ،
۸. جوادزاد اقدم، هادی و علوی، سید علی (۱۳۹۵)؛ تحلیل تطبیقی نقش سرمایه اجتماعی در پایداری محله ای در بافت های فرسوده و جدید (نمونه موردی: محلات نارمک و یوسف آباد)، دوره ۷، شماره ۲۴، بهار .

انگلیسی

۱. Daryabari, Seyed Jamaledin & Gholaamzade Doab, Ali & Kordi, Qasem(۲۰۱۵) Social Capital and Sustainable Urban Development, Journal of Applied Environmental, and Biological Sciences.

۲. Key, A, (۲۰۰۵), Societal, The social Economy and community development, Oxford university press and community. Development Journal. Advance Access Publication
۳. Milani, C.(۲۰۰۵). Social capital and local development theories:lessons from the pintadas experience (Bahia,Brazil).
۴. Newton, K. (۲۰۰۴). Social trust: individual and cross-national approaches, Portugese Journal of Social Sciences, Vol ۳, No. ۱,۱-۱۵.
۵. Putnam, R. D. (۲۰۰۰) 'Bowling Alone: America's declining social capital', Journal of Democracy, ۶, ۶۵-۷۸.
۶. Putnam, R. D. (۲۰۰۱), The Prosperous Community: social capitals and public life', The American Prospect, ۴, ۱۳,۱۱-۱۸.
۷. Vilar, Katila & Cartes, Ivan (۲۰۱۶) Urban design and social capital in slums. Case study: Moravia's. Urban Planning and Architecture Design for Sustainable Development, UPADSD ۱۴-۱۶ October.
۸. Wing Ho, D., Yau, Y., Poon, S., and Liusman, E. (۲۰۱۲). "Achieving Sustainable Urban Renewal in Hong Kong: Strategy for Dilapidation Assessment of High Rises." J. Urban Planning. Dev., ۱۳۸(۲), ۱۵۳-۱۶۵.
۹. Winter, In. (۲۰۰۰). Towards a Theorised Understanding of family Life and SocialCapital. Available at: www.aifs.org.au
۱۰. Zokin, S. (۱۹۹۷) The Culture of Cities, Black Well.